

خبر

در اجلاس دوحه مطرح شد

استقلال قاضی به معنای مصونیت از نظارت نیست

● **میزان:** دادستان انتظامی قضات گفت: استقلال قاضی به‌معنای مصونیت از نظارت نیست، اصل برابری همگان در مقابل قانون ایجاب می‌کند تا هرکسی پاسخ‌گوی اعمال خود باشد و هیچ مقامی حق دخالت در قضات و رای قاضی را ندارد.
حجت‌الاسلام موحّد، دادستان انتظامی قضات و بر اجلاسی در دوحه که در رابطه با اصول بنگلور مبتنی بر پاکدستی قاضی برگزار شد، در سخنانی به تشریح مبانی ساختار صیانت از پاکدستی قضائی در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران پرداخت و ابراز امیدواری کرد که در فضای مبتنی بر هم‌افزایی بـتوان از تجارب یکدیگر به‌منظور ارتقای اهداف متعالی این اجلاس استفاده و بر مبنای آن به اصلاح رویه‌ها و شیوه‌های موجود اقدام کرد.او با بیان اینکه «امیدواریم این اجلاس شروع بسیار خوبی برای همکاری دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و جهانی باشد»، تصریح کرد: قوه قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان قوه‌ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی، اجتماعی و مسئول تحقق‌بخشیدن عدالت و عهدهدار وظایف مهمی از جمله رسیدگی به تظلمات و شکایات، احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، کشف جرم و تعقیب مجرمین و مجازات آن‌هاست و در انجام این وظایف قاضی نقش اساسی و محوری دارد.
دادستان انتظامی قضات ادامه داد: ما با الهام از فرامین مقدس اسلامی، مقام قضات و را محترم شمرده و جایگاه رفیعی برای قاضی به‌عنوان ارزشمندترین سرمایه قوه قضائیه قائل هستیم و خود را مکلف می‌دانیم زمینه مناسب برای قضاوت عادلانه او را فراهم کنیم. موحّد با بیان اینکه «از سوی دیگر بر ضرورتی از یک رسیدگی قانون‌مدارانه، عادلانه و منصفانه در یک دادگاه منصفانه و بی‌طرف را از حقوق اساسی مردم می‌دانیم»، افزود: لازمه چنین قضاوتی استقلال و بی‌طرفی قاضی است. قاضی باید به دور از فشارهای دروسی و بیرونی و بدون تمایل به هریک از اصحاب دعوی، در محیطی کاملاً بی‌طرفانه رسیدگی و حکمی مستدل و مستند به مواد قانونی و اصول حقوقی صادر کند.
دادستان انتظامی قضات خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران همگام با اسناد بین‌المللی، در قوانین اساسی و قوانین موضوعه از جمله قواعد نظارتی، رعایت اصول راهبردی دادرس‌ی و همچنین اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی و صدور احکام موجه و مستدل و مستند را پیش‌بینی کرده است و به نحو مطلوب تضمین‌کننده اصول بنگلور است و شاخص‌های قضائی را در نظام قضائی کشور ما ارتقا بخشیده است. موحّد تصریح کرد: استقلال قاضی به معنای مصونیت از نظارت نیست، اصل برابری همگان در مقابل قانون ایجاب می‌کند تا هرکسی پاسخ‌گوی اعمال خود باشد و هیچ مقامی حق دخالت در قضاوت و رای قاضی را ندارد. او با تأکید بر اینکه «نظارت بر عملکرد قاضی موجب صیانت از نظام قضائی و تقویت آن است»، اظهار کرد: قانون نظارت بر رفتار قضات ما، سازوکار لازم برای بازرسی و نظارت بر رفتار و عملکرد قاضی را فراهم کرده است.دادستان انتظامی قضات ادامه داد: وظیفه بازرسی و کشف تخلفات انتظامی و تشویق قضات بر عهده دادرای انتظامی قضات است که نظارت مستمر بر عملکرد و ارزشیابی آنها را بر عهده دارد. او تصریح کرد: مجازات‌های انتظامی ۱۳ درجه هستند که خفیف‌ترین آنها توبیخ کتبی بدون درج در پرونده خدمتی و شدیدترین آنها تادیب دائم از خدمات قضائی و دولتی است. قاضی از مشاغل دیگر جز آموزش ممنوع است. او با بیان اینکه قاضی فاسد در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران جایی ندارد، به بیانات و تأکیدات مقام معظم رهبری در رابطه با قوه قضائیه و حفظ سلامت دستگاه قضائی اشاره کرد. قاضی موحّد افزود: نظام قضائی ایران معتقد است مکانیسم تنبیه و تشویق در کنار هم مؤثر است و تشویق مکمل تنبیه است. او در پایان به بیان ویژگی‌های قاضی از نگاه امام علی (ع) پرداخت و خاطرنشان کرد: امام علی(ع) از رهبران بزرگ صدر اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش به والی مصر فرمودند از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن.

شرق: سیدهادی خسروشاهی، از چهره‌های برجسته در حوزه علمیه قم که سابقه حضور در واتیکان به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران را داشت، روز پنجشنبه به دلیل کهولت سن و ابتلا به ویروس کرونا در بیمارستان مسیح دانشوری تهران درگذشت.
حجت‌الاسلام خسروشاهی سال ۱۳۱۷ در تبریز به دنیا آمد. پدرش آیت‌الله سیدمرتضی خسروشاهی، از علما و فقهای بزرگ و صاحب رساله آذربایجان و تحصیل‌کرده نجف بود. مرحوم تحصیلات مقدمانی را در تبریز به پایان رساند و پس از رحلت پدرش در سال ۱۳۴۲، در ۱۵سالگی عازم قم شد و در حوزه علمیه به تحصیل دروس سطح پرداخت. او دروس فلسفه، تفسیر، فقه و اصول را در حضور اساتیدی همچون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی(ره)، آیت‌الله شریعتمداری و علامه طباطبائی گذراند.

حجت‌الاسلام خسروشاهی فعالیت سیاسی را از سال ۱۳۳۲ پس از آشنایی با آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله طالقانی آغاز کرد و بارها در قم، تهران و تبریز دستگیر، زندانی و تبعید شد. او پس از پیروزی انقلاب، دو سال نماینده امام خمینی(ره) در وزارت ارشاد اسلامی بود. سپس به سفارت ایران در واتیکان رفت و پنج سال در خارج از ایران به فعالیت مشغول شد. مرحوم خسروشاهی در این مدت مرکز «فرهنگی اسلامی اروپا» در رم را تأسیس کرد و ماهنامه «انکوائری» به زبان انگلیسی و هفته‌نامه «العالِم» به زبان عربی را در لندن و با همکاری وزارت ارشاد منتشر کرد. او در ایتالیا هم ماهنامه «جهان نو» را منتشر و قرآن و نهج‌البلاغه را نیز به زبان ایتالیایی ترجمه کرد. مرحوم خسروشاهی به مدت سه سال رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مصر (قاهره) بود و در سال ۱۳۸۲ به ایران بازگشت و

سیاست

کرونا جان سفیر سابق ایران در واتیکان را گرفت

حجت‌الاسلام خسروشاهی درگذشت



مشاور وزیر در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی شد.او بیش از ۸۰ جلد کتاب منتشر کرده بود که خیلی از آنها در خارج از کشور نیز منتشر شده است. به جز این تألیفات و ترجمه‌ها، ۱۲۰ جلد کتاب دیگر نیز با تحقیق، توضیح یا مقدمه و اشراف مرحوم خسروشاهی در ایران، ایتالیا و مصر چاپ و منتشر شده است. ترجمه و تحقیق «کتاب امام علی(ع) صدای عدالت انسانی» تألیف استاد جورج جرداق از آثار اوست.از دیگر آثار مرحوم، شرح شیخ محمد عبده، اهل‌البیت علیه‌السلام فی مصر، صحیفه سجادیه، حقیقهٔ علاقهٔ عبدالناصر باثوَّرة الاسلامیه فی ایران، عبدالله بن سبا بین الواقع و الخیال، ادعیه اهل البیت علیه‌السلام، حجت‌الاسلام علی بن ابی طالب علیه‌السلام، الامام الحسین علیه‌السلام، الامام جعفر الصادق علیه‌السلام و الطریق الی مذهب آل البیت علیه‌السلام و عقیدتتا و… است.مرحوم خسروشاهی بیشترین همکاری را با روزنامه

حجت‌الاسلام خسروشاهی در مراسم عزاداری در تهران، ۱۳۸۲

تاریخچه و خاستگاه حقوق بشر

رضا معینی - **وکیل دادگستری**، **مدرس دانشگاه**

که درباره تمامی انسان‌ها مشترک و جهان‌شمول است. جوهر اندیشه حقوق بشر این است که انسان‌ها، صرف‌نظر از اختلاف‌های عقیدتی، نژادی و سیاسی مختلفی که دارند، دارای حق هستند و هرگز نمی‌توان این حقوق را از آنان سلب کرد. حقوق بشر به لحاظ شرعی که دارد باید جهانی باشد، زیرا این حقوق، حق طبیعی و مسلم هر عضو خانواده بشری است. اما حقوق بشر غربی به دلیل اینکه ریشه در فرهنگ الحادی و لیبرالستی و لذت‌گرایی و خویش‌من‌مالکی دارد، به دلیل غفلت از کرامت ارزشی انسان و نادیده‌گرفتن مبدا هستی نمی‌تواند جهانی باشد. علاوه بر این، لازمه جهانی‌بودن توجه به فرهنگ و قدر مشترک است که حقوق بشر غربی فاقد این ویژگی است.

در قرون وسطی، تقبّیث عقاید، مجازات عقیده مخالف و بدعت به وسیله کلیسا امری عادی شد؛ هر کس از دستوره‌های آنان سر باز می‌زد، مورد آزار و شکنجه قرار می‌گرفت. بدین صورت مردم از آزادی عقیده که بالاترین مظهر حقوق بشر است، محروم شدند. این عقاید را اندیشمندانی مانند سن آگوستین و توماس آکوئیناس تأیید کردند.

در قرون وسطی، تقبّیث عقاید، مجازات عقیده مخالف و بدعت به وسیله کلیسا امری عادی شد؛ هر کس از دستوره‌های آنان سر باز می‌زد، مورد آزار و شکنجه قرار می‌گرفت. بدین صورت مردم از آزادی عقیده که بالاترین مظهر حقوق بشر است، محروم شدند. این عقاید را اندیشمندانی مانند سن آگوستین و توماس آکوئیناس تأیید کردند. در طلیعه عصر رنسانس، قلاب‌های قرون وسطایی فروریخت و قدرت معنوی پاپ و امپراتوری ساقط شد و کشورها با حاکمیت مستقل در صحنه جهانی پدیدار شدند و اصلاح مذهبی و رفرم دچار شکست شد اما تحولی که در نظام حقوق ایجاد شد، تجدید حیات حقوق طبیعی است. بر مبنای تاریخی می‌توان گفت که اومانیزم محصول روی گرداندن نیروهای اجتماعی از سنت‌های اسکولاستیک کلیسای قرون وسطی و روی آوردن به جهان انسانی نوین است. متفکران رنسانس می‌کوشیدند به بازتابی مفهوم جهان‌گرایی دوران‌های باستان بپردازند؛ بنابراین در این دوره اندیشه و عقل جزئی، فضایی گسترده‌تر و فراخ‌تر برای پرورش مفاهیم انسانی خودآفریده به‌ویژه در عرصه شعر و هنر یافت. اکنون انسان مرکزی بود که همه چیز برآی او در اطرافش فراهم آمده بود. انسان پی برده بود که اراده او در آفرینش شخصیت و حال و آینده و جهان اجتماعی‌اش نقش نخست را بر عهده دارد، ازاین‌رو دیگر روش‌نوش‌ت خود را تعیین‌شده به وسیله نیرو یا نیروهای خارج از جهان محسوس نداشت. انسان پیش و بیش از هر چیز بر خود تکیه می‌کرد و سپس به جهان اطراف خود.

در مسیر تحول تاریخی حقوق بشر در غرب اسناد و اعلامیه‌های مهم و تأثیرگذار ذیل در زمینه حمایت از حقوق بشر به منصفه ظهور می‌رسند که مفاد آن پشتوانه هم‌پایه‌های اصلی قانون اساسی آن کشورها شد. ازجمله این اقدامات عبارت‌اند از:

- منشور حقوق زن (۱۲۱۵) و اعلامیه درخواست حقوق (۱۶۸۹) در انگلستان
- منشور آزادی‌های مصوب دادگاه ماساچوست در سال ۱۶۴۱
- اعلامیه حقوق دولت ویرجینیا (۱۷۷۶) و اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا (۱۷۷۶)

- اعلامیه حقوق بشر و شهروند (۱۷۸۹) در فرانسه.

منشور کبیر مسلمان مهم‌ترین تأثیر اولیه را در روند گسترش تاریخی حقوق بشر داشته است. این منشور زمینه‌ساز قانون اساسی امروز بسیاری از کشورهای انگلیسی‌زبان است. در سال ۱۲۱۵ پس از آنکه پرنسس جان، پادشاه انگلستان، تعدادی از قوانین و آداب‌ورسوم باستانی را که انگلستان با آن اداره می‌شد، نقض کرد، قوانینی را بنیان نهاد که مبنای قواعد حقوق بشری در کشورهای غربی است. در این منشور حقوقی مانند ممنوعیت دخالت دولت در امور کلیسا، حق مالکیت برای همه شهروندان آزاد، به‌زات‌بردن اموال، حمایت افراد از مالیات‌های بیش از اندازه، حق برای زنان بیوه و مقررات منع رشوه و سوء‌رفتار رسمی گنجانده شده بود.

در غرب تأثیر اخلاق یهودی– مسیحی از اصول اخلاقی اصلی برای توسعه حقوق بشر بوده‌اند. اصول اخلاقی یهودی– مسیحی سکولار و سیاست جداسـت. تأثیر این روند با ظهور سرمایه‌داری و استعمارگری در اروپا تقویت شد. اصول اخلاقی سکولار یهودی– مسیحی با پیشرفت اصلاحات در قرن ۱۶ و انقلاب‌های دموکراتیک در قرن سده‌هم همراه شد و دو سند مهم تدوین حقوق بشر، یعنی اعلامیه استقلال آمریکا و حقوق بشر و شهروند فرانسه در دو اسنادی حاصل جنبش‌های اجتماعی دوران پیش از انقلاب صنعتی هستند. بدین ترتیب لیبرال مدرن امروزی درباره حقوق بشر مرون تفکرات اجتماعی قرن نوزدهم و بیستم است. در بررسی حقوق بشر مکانیسم‌های دفاعی در برابر دو ایدئولوژی لیبرال و سوبالیسم که مبنای امپریالیسم غربی و استعمارگری بوده روزنه‌هایی برای تحول در مفهوم حقوق بشر است.

حقوق بشر در دوران معاصر

در حقوق بین‌الملل کلاسیک به افراد بشر به عنوان موضوع حقوق، توجهی نمی‌شد. مواردی که در حقوق بین‌الملل به افراد انسانی اشاره شده محذور است. از قدیم روسای دولت‌ها و دیپلمات‌ها و کنسول‌ها به‌علت مقام و شغل آنها که به روابط بین‌الملل مربوط می‌شود، در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گرفتند. در قرن گذشته از لحاظ انسان‌دوستی اقداماتی

اطلاعات داشت و با شرکت در کنفرانس‌ها و کنگره‌های اسلامی در کشورهای اروپایی و اسلامی از جمله پاکستان، مصر، الجزایر، عربستان، سوریه، قطر، ترکیه، لبنان، ایتالیا، انگلیس، آلمان، سوئیس و… به عنوان نماینده امام خمینی (ره) یا نماینده حوزه علمیه قم فعال بود.

پیام تسلیت رئیس‌جمهور

در پی درگذشت حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی، رئیس‌جمهور پیام تسلیتی صادر کرد. در پیام حسن روحانی آمده است: «در گذشت عالم وارسته، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی، موجب تأثر و تألم خاطر شد. این روحانی فرهیخته و فعال که از نقش‌آفرینان نهضت اسلامی بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تمام عمر خود را وقف ترویج و تبیین فرهنگ و معارف اسلامی، تقرب مذاهب اسلامی و انجام فعالیت‌های مختلف فرهنگی، تاریخی و مطبوعاتی کرد و آثار علمی و فرهنگی ارزشمندی از خود برجـا گذاشت. این جانب این ضایعه را به جامعه فرهنگی و ارادتمندان ایشان به‌ویژه خانواده مکرم‌شان تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند بزرگ برای آن مرحوم، غفران و همجواری با صالحان و برای عموم بازماندگان، صبر و اجر مسألت دارم».علی لاریجانی رئیس مجلس، محمدجواد ظریف وزیر خارجه، عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت‌الاسلام هادی خامنه‌ای دبیرکل مجمع نیروهای خط امام، خالد قدومی نماینده جنبش مقاومت اسلامی حماس در تهران و حجت‌الاسلام سعیدرضا عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در پیام‌های جداگانه درگذشت حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی را تسلیت گفتند.

حجت‌الاسلام خسروشاهی در مراسم عزاداری در تهران، ۱۳۸۲

زندگی و فعالیت‌ها

برای الغای بردگی و جلوگیری از تجارت بردگان و سیاهان و همچنین منع تجارت فحشا به عمل آمد. در گذشته نزدیک‌تر، اقداماتی بین‌المللی در راه حمایت اسیران و زخمیان جنگ و حفظ و حمایت اقلیت‌های نژادی و مذهبی و بهترکردن شرایط کار و بهبود وضع کارگران از نظر بین‌الملل صورت گرفت که در حقوق بین‌الملل انعکاس یافت.

اولین بار در آغاز قرن بیستم، با پایان‌یافتن جنگ جهانی اول، توجه خاصی به حقوق بشر در میثاق جامعه ملل نشان داده شد. دولت‌های عضو جامعه ملل، تعهد و کوشش برای تأمین حفظ شرایط عادلانه و انسانی کار برای زنان و مردان و کودکان و همچنین رفتار عادلانه با سکنه بومی مستعمرات خود را پذیرفتند و بخش مربوط به نظام قیوموت در سیستم جامعه ملل، مسئولیت رفاه و پیشرفت ملل تحت قیومت را بر عهده دولت‌های اداره‌کننده گذاشتند. علاوه‌براین درباره برخی از قسمت‌های معاهده صلح سال ۱۹۱۹، به برخی از دولت‌ها تکلیف شد تا قبل از عضویت در جامعه ملل، محدودیت‌هایی را در حاکمیت خود به نفع اقلیت‌های ملی کشور خود پذیرا باشند. در سال ۱۹۲۰ سیستم حقوق اقلیت‌ها ایجاد شد.

پس از جنگ عالم‌گیر دوم و تصویب منشور ملل متحد، ضرورت‌های اجتماعی حیات بین‌المللی، دولت‌های جهان را ناگزیر کرد که به نام مردم خویش، سازمان ملل متحد را ناظر بر تدوین و اعتلای این حقوق کنند تا از این رهگذر «صلح و آرامشی» دریا در سرتاسر جهان پدید آید و حریم فطری انسان از گزند ظلم جابران زمان مصون بماند.

پیش از ۱۹۴۵، هیچ نوع بین‌المللی که به وجود یا تعریف حقوق بشر دلالت داشته باشد، وجود نداشت. این معاهداتی هم که در ۱۹۱۹ میان متفقین از یک طرف و لهستان و چکسلواکی و یونان و رومانی و یوگسلاوی از طرف دیگر انعقاد یافته بود، اساسا به حقوق اقلیت‌ها، یعنی آن دسته از افراد بشر که به نژاد یا مذهب یا زبان خاصی تعلق داشتند، اختصاص یافته و از این جنبه خود متضمن نوعی نابرابری میان اقلیت و اکثریت بود.

حقوق بشر، اگرچه یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در قرن بیستم بوده، اما مختص این قرن یا فرهنگ خاص نبوده است. قرن‌ها پیش، موضوع حقوق بشر در فرهنگ و ادبیات جوامع مختلف مطرح بوده و اسناد و کتب معتبر بسیاری در این زمینه نگاشته شده است. اهمیت تاریخی قرن بیستم به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵)، در دو مقوله «حقوقی کرد» و «نهادهی‌سازی» حقوق بشر آشکار می‌شود.

اما در ۱۹۴۵، حقوق بشر که تا آن زمان از جمله مسائل بی‌ه شمار می‌آمد که به استناد ماده ۱۵ میثاق جامعه ملل در صلاحیت انحصاری دولت‌ها قرار داشت، از زندان حاکمیت بی‌چون‌وچرای دولت‌ها به‌درآمد و تحقق نخستین هدف ملل متحد که همانا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، منوط به رعایت آن شد؛ تاآنجاکه رعایت حقوق اساسی بشر به موجب بند ۲ از مقدمه و بند ۳ از ماده یی منشور ملل متحد به صورت مرام اصلی سازمان ملل متحد درآمد و ماده ۵۵ همان منشور صراحتا از ارتباط میان دو مفهوم صلح و امنیت جهان با حقوق بشر سخن به میان آورد.

در اوضاع و احوال نیمه دوم دهه ۴۰، آنان که با خواندن این مواد در منشور ملل متحد به وجد آمده بودند به‌راستی می‌پنداشتند که افقی جدید در اندیشه‌های سیاسی جهان پدیدار شده و ارزش‌هایی که جامعه بین‌المللی بر مبنای آنها شکل گرفته، یکباره درگرون شده است. فرد انسانی به لحاظ ذاتی دیگه دیگر تابع بی‌چون‌وچرای «دولت» قلمداد نمی‌شد؛ بلکه مانند شخصیتی به‌شمار می‌آمد که می‌توانست صرف‌فقط در جنس، نژاد، فرهنگ و زبانی که داشت، از حقوقی ذاتی که با وضع و حال انسانی او متناسب به نظر برسد، بهره‌مند باشد. علاوه‌براین در آن دوران این فکر نیز قوت گرفت که منشور ملل متحد به انسان مقامی برتر از دولت داده است؛ چنان‌که دولت ازاین‌پس نه‌فقط نباید او را وسیله تحقق اهداف خویش کند؛ بلکه باید در راستای تضمین مقام و موقع او تلاش کند.

بنابراین سازمان ملل متحد از ابتدای تأسیس سعی کرد تا معیارها و ضوابط حقوق بشر بین‌المللی اصل را وضع کند. اگرچه منشور ملل متحد به پیشبرد حقوق بشر اشاره دارد، اما تعهد سیاسی واقعی درباره این آرمان صرفا با تصویب و انتشار «اعلامیه جهانی حقوق بشر» بروز پیدا کرد. مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر را در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رساند. موضوعاتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، طبق قاعده در تضاد با نظام وستفالیایی هابزی است. در آن نظام دولت‌ها دارای حاکمیت مساوی تصور می‌شوند؛ درحالی‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر موضوعات موجود میان حکومت‌ها و شهروندان آنها را مدنظر دارد و نه رابطه میان دولت‌ها را. براساس ماده یک اعلامیه همه موجودات بشر مساوی و آزاد آفریده شده‌اند. در اینجا مراد فقط شهروندان یک دولت خاص نیست و همه شهروندان در همه کشورها مدنظر قرار گرفته‌اند. این اعلامیه بیان و تفسیر ارزش‌های بین‌الملل مربوط می‌شود، در حقوق بین‌الملل سیاسی یا دیپلماتیک مصالح‌های میان دولت‌ها ایجاد کند.

آئینه

روزنامه‌نگاری

شیوع ویروس‌ها؛ چالش جدیدشهرها

● **محمد سالاری:** ... عملیات قرنطینه‌کردن شهرها تا پیش از این با انتقاداتی مواجه شده بود. از جمله اینکه این راهکار قابلیت اجرایی پایینی دارد و از دیگر سو جریان کمک‌رسانی را نیز کند می‌کند.
اما آنچه اخیر چین اما نشان داد این کشور توانسته این سیاست را به شکل مؤثری به کار بگیرد، بدون آنکه جریان کمک‌رسانی را به مناطق درگیر بیماری مختل کند. گرچه قضاوت درباره عملکرد دولت چین در کنترل بحران کرونا و به‌کارگیری سیاست قرنطینه شهرها هنوز زود است و نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد، اما آنچه مشخص است این است که اعمال قرنطینه بر شهرها آن چنان که چین به آن عمل کرد، مختص این کشور است و دیگر کشورها قادر به اجرای این سیاست به این کیفیت نیستند.
دلایلش هم در نوع حکومت چین و ساختار مدیریت شهری آن است. چنان که می‌دانیم حکومت چین تمرکزگرا و تک‌حزبی است. عمده سازمان‌های خدمات‌دهنده در اختیار دولت هستند و تحت فرماندهی واحد عمل می‌کنند... می‌توان گفت سیاست تمرکززدانی و محله‌گرایی (به‌ویژه اگر همراه با هوشمندسازی شهر باشد) می‌تواند پاسخی از سوی برنامه‌ریزی علمی و طراحی شهری به چالش شیوع بیماری‌های مسری در شهرها باشد؛ بدون آنکه مجبور شویم کل شهر را قرنطینه کنیم.

کیم

دوم اسفند «مجلس مقاومت»

● **سعدالله زارعی:**... پیروزی قاطع طرفداران مقاومت از جمله، «محمدباقر قلی‌اف»، برای مردم منطقه یک پیام مهمی نیز به‌همراه آورد و آن، اینکه یک شخصیت همسو با قاسم سلیمانی در انتخابات ایران به بیشترین آرا دست پیدا کرده است. البته نمی‌خواهیم درباره قلی‌اف اغراق کنیم و ایشان را در تراز سردار سلیمانی قرار دهیم. پیام پیروزی طرفداران مقاومت، به‌خصوص پس از شهادت مظفومانه سردار سلیمانی به دست آمریکا که یک نوعی افسردگی را در منطقه پدید آورده بود، روح تازه‌ای به حساب می‌آمد که در کالبد نظام دمیده شده است و از رویکرد قاطع ملت به نامزدهای طرفدار مقاومت خبر می‌داد. پیروزی قاطع اصولگرایان حامی مقاومت در انتخابات تهران و بسیاری از استان‌ها و شهرهای دیگر کشور حاکی از آن بود که روال جاری در ایران پس از یک دوره هشت‌ساله در حال بازگشت به مدار اصلی خود است.

ایران

نگرانی خیر، حساسیت‌بله

● آیا باید مردم را نسبت به ویروس کرونا نگران کرد یا از نگرانی درآورد؟ آیا حساسیت‌های مردم درباره این پدیده یکسان و مشابه است؟ سیاست کلی حکومت و رسانه‌ها چه باید باشد؟ اولین نکته‌ای که باید رعایت کرد، اطلاع‌رسانی صحیح است، چه درباره نحوه برخورد با پدیده و رعایت اصول بهداشتی و چه در زمینه آمارها و اطلاعات آن. دراین‌باره وزارت بهداشت باید مسوول اطلاع‌رسانی صحیح خود را تکمیل کند. همه می‌دانیم که تعداد مبتلایان به ایزد در ایران حدود ۴۰ هزار نفر است. این آمار ثبت‌شده و رسمی است، ولی کارشناسان یقین دارند که تا ۶۰ تا ۷۰ درصد افراد مبتلا به ایزد در این آمار نیستند یا تشخیص داده نشده‌اند یا مراجعه نکرده‌اند... نکته دوم تعیین مسئله محوری کرونا است. مسئله کرونا قضاوت در مراحل اول درمان آن یا میزان مرگ‌ومیر نیست، بلکه مسئله اصلی جلوگیری از اشاعه آن است... نکته سوم این است که میان حساسیت و ترس فاصله بزرگی است. ترس از عوامل منفی در مبارزه با این بیماری است. اتفاق نظر وجود دارد که ترس و نگرانی و نیز تخلیه روانی، موجب تضعیف سیستم دفاعی بدن می‌شود و تلفات را بیشتر می‌کند. ولی حساسیت‌داشتن چنین نیست، یک امر لازم است.

چرا

چرا حوصله‌مان سر می‌رود؟

● «سرفرتن حوصله» نشانه‌ای از کاهش ظرفیت‌های وجودی است. شوشنپناه‌ور در قرن نوزدهم در کتاب «در باب حکمت زندگی» پیش‌بینی می‌کند که تا پایان قرن بیستم در پی کاهش تدریجی ظرفیت‌های وجودی و درونی، آدم‌ها کم‌حوصله‌تر می‌شوند... اگر بخواهیم مفهوم «حوصله‌مان سر رفته» را بیشتر واکاوییم، می‌توانیم به کتاب لارس اسونسن تحت عنوان «فلسفه ملال» (ترجمه افشین خاکیار) مراجعه کنیم... از مباحث اسونسن می‌توان استنباط کرد که «ملال» یا «سرفرتن حوصله» نوعی فرهنگ است که فقدان معنای شخصی در زندگی را بر ما آدم‌ها تحمیل می‌کند. به تعبیر اسونسن «ملال» برجسب سقیدی است که آدمی به روزی هر چیزی می‌تواند توجه و علاقه‌اش را برانگیزاند و جلب کند، الصاق می‌کنند... بی‌حوصلگی بیان دیگری از فقدان کیفیت است... «ملال» همچنین ممکن است از «ازخودبیگانگی» سرچشمه گیرد. گاهی با زمان، مکان و فعالیتی که انجام می‌دهیم هیچ نوع پیوند وجودی و اصیلی برقرار نمی‌کنیم. گوئی ما را به زور به آن کار یا حضور در آن موقعیت واداشته‌اند... در کنار توصیف ملال باید به این بیندیشیم که چگونه باید با آن مواجه شویم... چیزی که می‌تواند ملال را کاهش دهد، تلاش ما برای خودشکوفایی است... ما باید تلاش کنیم تا زندگی برپایمان جالب شود... چیزی که ما را از ملال و بی‌حوصلگی آزاد می‌کند قبول مسئولیت است.